

ایران

- **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- **مدیر مسئول:** محمد حسن روزی طلب
- **سردبیر:** حسام الدین برومند
- **معاون فنی:** محمدملاعلی اکبری
- **دبیران:** مصطفی عیوضی (سیاسی) • مهدی مهرپور (اقتصادی)
- **رژین رستمی** وند (اجتماعی)

- **بنفشه غلامی** (جهان)
- **لیدا فخری** (اندیشه) • **محمدرضا عزیزی** (گزارش)
- **زهرا کشوری** (زیست بوم) • **فرناز قلعه‌دار** (حوادث)
- **مهدی کلهرنژاد** (اجرائی)
- **حجت حکیمی** (صفحه‌آرایی)
- **محسن جانی‌پور** (ویراستاری)
- **ابوالفضل نسایی** (عکس)

- **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **نماینر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵
- **پيامک:** ۳۰۰۴۵۱۲۳ • **روابط عمومی:** **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- **مردودق پستی:** ۱۵۸۷۵۰۵۳۳۸ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
- **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
- **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه اینزو ۹۰۰ از شرکت NISCERT
- **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ (۰۲۱)
- **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵



«ایران» رادر صفحه‌های مجازی دنبال کنید



من اعتراف می‌کنم که هیچ‌لذتی مثل خواندن وجود ندارد؛ آدم ققدر از کارهای دیگر زودتر خسته می‌شود تا کتاب خواندن. **جین استین، غرور و تعصب**

یادداشت

ماجرای تلاش برای آبادکردن قناتی خشکیده



یوسف یزدانی

وشاره نویسنده

کتاب داستانی «مادر بزرگ منتظر است» نوشته تازه‌ام است که از سوی انتشارات به‌نشر منتشر شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. این کتاب با محوریت وقف پسری نوجوان، برای آبادکردن قنات خشکیده اجدادی‌اش به نگارش درآمده است. ماجرای آن نیز با دغدغه فرار «مهرآور»، شخصیت اصلی داستان، از زندان قجری آغاز می‌شود. مهرآور پس از فرار، برای دور شدن از خطر دستگیری، به قصد دیدار مادر بزرگ، راهی ولایت «پاپاب» روستای آبا و اجدادی‌اش می‌شود. در راه و طی مقصد با چند مشکل کوچک و بزرگ مواجه می‌شود، برای حل آنها از پانمی‌نشیند و در طول داستان جوهره شخصیت پویا و سازنده خودش را برای فائق آمدن بر آن‌گونه مسائل نشان می‌دهد؛ اما سرانجام شیرینی برای نوجوان قصه رقم می‌خورد. فکر تألیف این رمان از تجربه‌های زیسته زندگی خودم به ذهنم رسید. از آنجایی که دوران کودکی و نوجوانی‌ام را در محیط روستایی گذرانده بودم و از طرفی تحصیلات رسمی و دانشگاهی‌ام علوم کشاورزی بود و سال‌ها کارشناس کشاورزی بودم، سعی‌ام این بود بستر شکل‌گیری داستان و رمانی که می‌نویسم، روستا و محیط‌های روستایی و کشاورزی باشد.

از موقعی که خودم را شناختم با اجوبه‌های مثل قنات، آب پاک و زلالی که از دهانه آن بیرون می‌زد، آشنایی داشتم و از برکات بی‌بدیل قنات در روستا بهره‌مند شده بودم؛ بنابراین سال‌ها به این موضوع فکر می‌کردم که چگونه می‌شود قنات، این میراث گران‌سنگ پیشینیان را به نوجوانان امروزی، بویژه نوجوانان و جوانان شهرنشین شناساند که شاید بتوان گفت بیشتر آنها هیچ آشنایی با این میراث بزرگ ندارند.

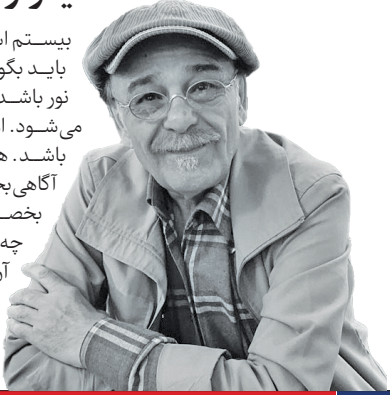
به همین جهت خیلی مایل بودم داستان و رمانی بنویسم که قنات و قنات‌سازی و مختصات این سازه کهن در آن طرح شده باشد و شخصیتی خلق شود که در عین اینکه درگیر ماجراهای شخصی و اجتماعی خودش می‌شود، این میراث ماندگار را هم پاس بدارد و با تمام وجود به حفظ و صیانت از این سازه کهن بپردازد.

در این بین، حدود پنج، شش سال پیش متوجه شدم که سازمان جهانی یونسکو، قنات ایرانی را به عنوان میراث فرهنگی جهانی پذیرفته و آن را در زمره عجایب انکارناپذیر جهانی ثبت کرده است. همان موقع بود که ایده این داستان به ذهنم خطور کرد و بر آن شدم داستانی بنویسم که بخشی از ماجراها و درگیری بین شخصیت‌هایش با قنات و قنات‌سازی پیوند طبیعی خورده باشد. با این کار به زعم خودم می‌خواستم در حد وسیع، دین خودم را به این میراث کهن قنات و قنات‌سازی ادا کنم. درباره اینکه مطالعه کتاب «مادر بزرگ منتظر است» چه تأثیری بر نوجوانان خواهد داشت نیز باید بگویم که به نظرم داستان یا هر اثر هنری دیگر مثل سینما، شاید برای مخاطبان عام خودش در درجه اول جنبه سرگرمی و لذت بردن از پیگیری ماجراهایش را داشته باشد؛ ولی آنچه مسلم است نویسنده به فراتر از اینها هم اندیشیده است. هر نویسنده‌ای دلش می‌خواهد به نوعی ارزش‌ها و آرمان‌های مدنظر خودش را در قالب اثری که خلق می‌کند به مخاطبان اثرش پیشکش کند.

هم براین اساس، مضامینی انسانی در این داستان گنجانده‌ام که امیدوارم به نحوی بر خواننده نوجوان اثرم تأثیر بگذارد؛ البته همان‌طور که گفتم همین که خواننده کتاب در خلال همراه شدن با شخصیت اصلی داستان و همذات‌پنداری با او، آشنایی مختصری با مهندسی و معماری حفر قنات پیدا کند و به لزوم حفظ و احیای این سازه دست مردمان قدیم برسد، دستاورد بزرگی برایم خواهد بود.

نقل قول

امیدوارم سال جدید، سال هنر و دانش و کار باشد



بسیستم اسفند تولدم بود، اگر بخواهم به این مناسبت آرزویی برای مردم داشته باشم، باید بگویم که آرزوی روزهای روشن و پراز مهربانی و عشق دارم. امیدوارم امسال، سال نور باشد. خوشبختانه این روزها هوا خوب است و با خوب شدن هوا، حال ما هم خوب می‌شود. امیدوارم زمین و آسمان نفسی بکشند و امسال، سال هنر و خرد و دانش و کار باشد. همیشه هنر و هنرمندان به مردم کمک کرده‌اند، هم آنان را شاد کرده‌اند و هم آگاهی بخش بوده‌اند. هنر، نیاز روحی انسان است و همیشه برای او نجات‌بخش بوده. بخصوص اگر از کودکی آن را در اختیار بچه‌ها قرار بدهیم. در پاسخ به اینکه مشغول چه کاری هستم باید بگویم به تازگی یک فیلم سینمایی کار کردم که فیلمبرداری آن تمام شد. کاری از عادل تبریزی بود و یک جور کم‌دی کلام و موقعیت، تلاش کردیم فیلم مفرحی بشود چون مردم به خنده نیاز دارند.

بخشی از گفته‌های رضا بابک، هنرمند پیشکسوت با ایسنا

کلمه



علی‌الله سلیمی

نویسنده و منتقد ادبی

نگاهی به چگونگی شکل‌گیری بزرگ‌ترین کتابخانه خطی شیعی

کتاب و کتابخانه با زندگی بسیاری از عالمان دینی گره خورده و در این میان، برخی از علما، کتابخانه‌های بزرگ و بعضاً منحصر به فردی را پایه‌گذاری و ایجاد کرده‌اند که برخی از این کتابخانه‌ها حتی بعد از وفات فرد و عالم پایه‌گذار این مراکز فرهنگی، به فعالیت و ارائه خدمات به جویندگان علوم دینی ادامه داده و به مرور زمان تجهیز و توسعه یافته است.

یکی از عالمان دینی مشهور در این زمینه، آیت‌الله‌العظمی ابوالعالی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی است که در زمان حیات خود کتابخانه‌ای را بنیانگذاری و ایجاد کرد که اکنون در نوع خود مجهزترین و تقریباً بی‌نظیر است. به بیان دیگر، علامه مرعشی نجفی، کتابخانه‌ای را تأسیس کرد که امروزه از لحاظ تعداد و کیفیت نسخه‌های خطی کهن اسلامی، نخستین کتابخانه ایران و سومین کتابخانه جهان اسلام به شمار می‌رود. ماجراهای شنیدنی شکل‌گیری اولیه این کتابخانه و توسعه آن در سال‌های بعد هم حکایت از علاقه و سختکوشی مردی از تبار عالمان دینی به امور نسخه‌های خطی کهن اسلامی دارد.

آیت‌الله مرعشی نجفی با انجام نماز و روزه استیجاری، حذف یک وعده غذای روزانه، کاستن بخشی از مخارج زندگی و کار شبانه در کارگاه‌های برنج‌کوبی در نجف‌اشرف پس از فراغت از درس به جمع‌آوری این کتاب‌ها پرداخت و مجموعه‌ای از نسخه‌های خطی و کتاب‌های چاپی نایاب را گردآوری کرد.

با مهاجرت آیت‌الله مرعشی از عراق به ایران در سال ۱۳۴۲ق، مجموعه‌های فراهم شده هم به ایران انتقال یافت و او در منزل شخصی خود به نگهداری از این آثار ارزشمند پرداخت و به جمع‌آوری دیگر نسخه‌های نفیس همت گمارد. در همان دوران استادان مشهور دانشگاه به قم می‌آمدند و

از نسخه‌های خطی کهن اسلامی، نخستین کتابخانه ایران و سومین کتابخانه جهان اسلام به شمار می‌رود. ماجراهای شنیدنی شکل‌گیری اولیه این کتابخانه و توسعه آن در سال‌های بعد هم حکایت از علاقه و سختکوشی مردی از تبار عالمان دینی به امور نسخه‌های خطی کهن اسلامی دارد.

آیت‌الله مرعشی نجفی با انجام نماز و روزه استیجاری، حذف یک وعده غذای روزانه، کاستن بخشی از مخارج زندگی و کار شبانه در کارگاه‌های برنج‌کوبی در نجف‌اشرف پس از فراغت از درس به جمع‌آوری این کتاب‌ها پرداخت و مجموعه‌ای از نسخه‌های خطی و کتاب‌های چاپی نایاب را گردآوری کرد.

با مهاجرت آیت‌الله مرعشی از عراق به ایران در سال ۱۳۴۲ق، مجموعه‌های فراهم شده هم به ایران انتقال یافت و او در منزل شخصی خود به نگهداری از این آثار ارزشمند پرداخت و به جمع‌آوری دیگر نسخه‌های نفیس همت گمارد. در همان دوران استادان مشهور دانشگاه به قم می‌آمدند و

حضرت علی (ع):
 از دوستی با کسانی که افکارشان نادرست و اعمالشان ناپسند است، دوری گزین زیرا انسان از دوستی شان، متأثر می‌شود.

نوح البلاغه فیفی، نامه ۶۹

فلسطین آزاد

نگاره



فضای مجازی

نظرسنجی داریوش مؤدبیان درباره ترجمه تازه‌اش

داریوش مؤدبیان، بازیگر، نویسنده و مدرس تئاتر در یکی از استودیوهای خود تصویری از مراسم تک‌داشت علی نصیریان، بازیگر پیشکسوت سینما، تئاتر و تلویزیون کشورمان را منتشر کرده و سال‌های فعالیت هنری این هنرمند را گرمی داشته است.

او در استودی دیگری از دنبال‌کنندگان صفحه‌اش، درباره موضوعی نظرسنجی کرده است. مؤدبیان تصویری از آثار خود را که سال گذشته روانه کتابفروشی‌ها شده منتشر کرده و درباره‌اش پرسیده: «می‌خواهم کتاب صوتی یادداشت‌های یک آدم مرده را به شکل نسخه صوتی آن منتشر کنم.» او در ادامه خواسته که مردم بگویند با این کار موافق هستند یا مخالف.

این رمان نوشته‌ای از «میخائیل بولگاکف» است که توسط داریوش مؤدبیان ترجمه و از سوی انتشارات گویا در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

آن‌طور که در معرفی این رمان آمده، بولگاکف با تألیف «یادداشت‌های یک آدم مرده»، دردهای خود از جامعه هنری را درون شخصیت اول داستان نمایان کرده است؛ داستانی که بی‌شابهت به زندگی خود بولگاکف نیست. چرا که اگر زندگینامه نویسنده را در کنار این رمان قرار دهید، متوجه دو داستان موازی و مرتبط به یکدیگر خواهید بود. این کتاب حدود یک دهه از ارتباط بولگاکف با تئاتر هنری مسکو را در یک سال نشان می‌دهد.

داستان از زبان اول شخص روایت می‌شود و نویسنده، خود در قالب نویسنده‌ای در داستان، کوبی با مخاطب عام خود که بزودی کتاب او را می‌خوانند، سخن می‌گوید و مخاطب را تا انتها با خود همراه می‌کند.

توصیه شاعر و مصحح مهاجر

محمد کاظم کاظمی، شاعر و مصحح افغانستانی ساکن ایران، تازه‌ترین استودی خود را به توصیه‌هایی درباره اهمیت ورزش برای پیشگیری از ابتلا به بیماری‌ها اختصاص داده و نوشته: «حدود پانزده کار در دست دارم. سال‌ها گفته‌ام اول کار، بعد ورزش! و عوارض حالا خود را نشان داده‌اند، به شکل اضافه وزن، چربی کبد و... پس پند گیرید ای پند گیرندگان، باشد که رستگار شوید.» او در استودی دیگری اطلاعاتی درباره لوجه و زبان رایج در افغانستان را با دنبال‌کنندگان صفحه‌اش به اشتراک گذاشته است. او با انتشار تصویری از رنگین کمان نوشته: «می‌دانستید در افغانستان به رنگین کمان، کمان رستم می‌گویند؟» کاظمی به همین بهانه نکته‌ای درباره یکی از باورهای عامیانه اهالی افغانستان نوشته، درباره اینکه چه اتفاقی برای فردی رخ می‌دهد که از زیر رنگین‌کمان عبور می‌کند! اگر علاقه‌مند مطالعه این نوشته کاظمی هستید، می‌توانید سری به صفحه او در شبکه‌های اجتماعی بزنید.

بازنشر یک توصیه هنری در صفحه مهرا غفوریان

مهرا غفوریان، بازیگر سینما و تلویزیون طلبی را از صفحه بابک لطفی خواجه‌باشا درباره قواعد بازیگری منتشر کرده که در آن آمده: «برای بازیگری قاعده وجود دارد. همان‌طور که درخت زیباست. ما در وجودمان درستی یا نادرستی یک هنر را درک می‌کنیم. گاهی ندیدن خوب‌ها، به دلیل فراموش کردن قاعده و اصول بازیگری است. شاید هم اصول سینما دیگر قابل درک نیست. فیلمبردار، بازیگر، طراح صحنه موسیقی همه و همه باید برای فیلم و در خدمت آن باشند. نه آنقدر درشت و بی‌برون زده که چشم را در بیاورد، نه آنقدر با فاصله از سینما که تمامی باورهای فیلمسازان را به بازی بگیرد.» او در استودی دیگری مطلبی درباره فروش فیلم سینمایی تمساح خونی منتشر کرده و استقبال قابل توجه مردم برای تماشای آن را موفقیت بزرگی برای جواد عزتی عنوان کرده است.

حضور روزنامه‌نگار مترجم در اکسپوی خط و نگاره تبریز

حامد خسروشاهی، مترجم و روزنامه‌نگار تصویری از حضور خود در یک مراسم فرهنگی را منتشر کرده و نوشته: «شنبه به اینجا آمدم، به ساختمان جدید شورای شهر تبریز، محل نمایش آثار اولین اکسپوی خط و نگاره تبریز.» او در ادامه تصویری از سخنرانان این مراسم را هم منتشر کرده و درباره‌اش نوشته: «به‌غایت این مرد را دوست دارم. استاد حسن تقی‌زاده کرمانی، استاد خط و آواز و ادب.» خسروشاهی در استودی‌های بعدی، تصویری از برخی آثاری که در نمایشگاه مذکور در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفته‌اند، از جمله کارهای علی دائم امید و استاد قیاسی را هم با دنبال‌کنندگان صفحه‌اش به اشتراک گذاشته است.



سخن‌روز

نگاره



علی‌الله سلیمی

نویسنده و منتقد ادبی

آیت‌الله مرعشی نجفی با انجام نماز و روزه استیجاری، حذف یک وعده غذای روزانه، کاستن بخشی از مخارج زندگی و کار شبانه در کارگاه‌های برنج‌کوبی در نجف‌اشرف پس از فراغت از درس به جمع‌آوری این کتاب‌ها پرداخت و مجموعه‌ای از نسخه‌های خطی و کتاب‌های چاپی نایاب را گردآوری کرد

عکس نوشت

مجسمه‌سازی یکی از ماندگارترین هنرهای تجسمی است که نقش مهمی در تکامل و رشد فرهنگ داشته و توانسته تا به امروز برقرار بماند. مجسمه‌ها نه تنها از نظر هنری بلکه به لحاظ تاریخی، فرهنگی و اجتماعی نیز اهمیت بسیاری دارند. از طریق مجسمه‌ها، می‌توانیم با تمدن‌های قدیمی آشنا شده، رموز و رازهای فرهنگی و ادبیاتی آنها را بررسی کنیم.

عکس: ایسنا

